



یوسف زین العابدین^۱
محمدصادق یحیی پور^۲

بررسی ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۹/۲۴

چکیده

پس از فروپاشی شوروی (سابق)، ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر متحول شده است. در این میان هر یک از کشورهای این حوزه، از لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت خاصی پیدا کرده اند. دو کشور ایران و روسیه به دلیل قدمت تاریخی از ثبات ژئوپلیتیکی برخوردارند اما سه جمهوری تازه استقلال یافته یعنی قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان برای استمرار و استقلال، استراتژی برقراری روابط با قدرت های فرامنطقه ای را در پیش گرفته اند. بنابراین

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (جغرافیای سیاسی).

E-mail: Zeinolabedin@iaurasht.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (جغرافیای سیاسی).

3- Caspian

این کشورها علی‌رغم دارا بودن ژئوپلیتیک مشترک دارای نگرش‌های متفاوت می‌باشند. بر این اساس سؤال اصلی در این مقاله این است که: «عوامل تاثیرگذار بر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حوزه دریای خزر کدامند؟» به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیکی جدید حوزه دریای خزر ناشی از عواملی چون ملیت، جمعیت، اقتصاد و غیره بوده است. هدف از ارائه مقاله، بررسی ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر بخصوص جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: ژئوپلیتیک، استراتژی، کشورهای حوزه دریای خزر، همگرایی، واگرایی، قدرتهای فرامنطقه‌ای.

مقدمه

هم‌اکنون پنج کشور در حوزه دریای خزر وجود دارند که مردم آنها متعلق به ملیت‌های مختلف هستند و بر اساس این ملیت‌ها هویت این کشورها مشخص می‌شود. در گستره تاریخ حوزه دریای خزر میزبان قبایل و جوامع متعددی بوده است. ساکنان اولیه این منطقه از جمله مادها، ترکمن‌ها، اقوزها، پارسیان و قزاق‌ها در کنار ساکنان موقتی آن مانند عرب‌ها و مغول‌ها، تنوع نژادی سواحل دریای خزر را رونق بخشیده‌اند. اقوام مذکور فرهنگ‌ها، مذاهب، مراسم و عقاید نیاکان خود را نیز به این منطقه آوردند و بدین وسیله کثرت و تنوع فرهنگی، مذهبی و نژادی دریای خزر را قوام بخشیدند.

با فروپاشی شوروی سابق این منطقه به دلیل دارا بودن ذخایر انرژی اهمیت ژئوپلیتیکی خاص پیدا کرد. لذا کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اکنون می‌خواهند در این حوزه حضور داشته باشند. بنابراین آنها از ابزارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تشدید بحران‌های قومی - مذهبی بهره می‌جویند. مقاله حاضر بر آن است که اهمیت ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای حوزه دریای خزر را توضیح دهد. نقشه زیر موقعیت و نوار ساحلی کشورهای حوزه دریای خزر را نشان می‌دهد.



منبع: (CEP, 2005, 5)

۱- تحولات ژئوپلیتیکی حوزه دریای خزر

حوزه دریای خزر در چهارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیک دوره جنگ سرد و قبل از آن بین دو

قلمرو هارتلند^۱ و ریملند^۲ که در نظریه‌های مکیندر^۳ و اسپایکمن^۴ انعکاس یافته بود، قرار داشت. یعنی بخش عمده آن در شمال جزو هارتلند بود که در کنترل قدرت بری شوروی قرار داشت و بخش جنوبی آن جزو کشور ایران بود که از زمره قلمرو ریملند و سرزمین حاشیه محسوب می‌شد. این منطقه در دوره جنگ سرد و قبل از آن سطح تماس و اصطکاک دو قدرت جهانی بری و بحری (روسیه و انگلستان و سپس آمریکا و شوروی) بوده است (زرقانی، ۱۳۸۴، ۳).

از دید ژئوپلیتیک منطقه دریای خزر خطه پهناوری است که از قفقاز در باختر تا آسیای مرکزی در خاور کشیده شده است. دریاچه دریای خزر این دو گستره سرزمینی را از هم جدا ساخته و در همان حال این دو را به هم مرتبط می‌سازد. به بیان دیگر می‌توان قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی را همچون یک منطقه ژئوپلیتیک ویژه در نظر گرفت و نام «دریای خزر- آسیای مرکزی» را بر آن نهاد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۳۵).

منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر که هویت جدید خود را بعد از فروپاشی شوروی سابق به دست آورده، جزو مناطق خفته‌ای بود که پس از جنگ سرد و در دهه اخیر، از خفتگی بیدار شده و به صورت یک منطقه فعال و دارای کارکردهای خاص درآمد. هر چند در شرایط جدید هنوز از تکامل لازم برخوردار نبوده و استقرار سازنده‌ای پیدا ننموده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸، ۴۳).

ظهور منطقه جدید فقط یک نماد بر روی نقشه سیاسی نبود؛ بلکه، تغییرات مهمی در فعل و انفعالات داخلی و دیدگاه‌های قدرتهای خارجی نسبت به آن به وجود آورد. گرچه منطقه دریای خزر در مفهوم جغرافیایی کلمه، در برگیرنده پنج کشور ساحلی دریاچه دریای خزر است؛ ولی ژئوپلیتیک آن را نمی‌توان و نباید از منطقه وسیع‌تر آسیای مرکزی و قفقاز جدا ساخت. در واقع منطقه دریای خزر حلقه اتصال میان پنج کشور آسیای مرکزی و سه کشور قفقاز و ایران و روسیه است. در این منطقه وسیع ژئوپلیتیکی که از شرق به مرزهای چین و از

1 - Heartland

2 - Rimland

3 - Machinder

4 - Spykeman

غرب به دریای سیاه متصل می‌گردد، روسیه و ایران که از مقایسه با کشورهای تازه استقلال یافته از سابقه بسیار طولانی حاکمیت برخوردارند، دو قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شوند. این دو قدرت به همین دلیل نقش‌آفرینی‌های آنها در حل مسائل منطقه و دیدگاه‌های مستقلی که نسبت به مداخله قدرت‌های برون منطقه‌ای دارند، حائز اهمیت هستند (واعظی، ۱۳۸۶، ۲۹۸). دلیل اصلی تحول در هویت ژئوپلیتیکی دریای خزر را باید در تحول الگوی موازنه قدرت دوران جنگ سرد و پدیدار شدن ساختار جدید قدرت جهانی جستجو کرد. زیرا در دوره جنگ سرد که ویژگی‌های آن ایستایی و عدم تحرک در ساختار ژئوپلیتیکی جهان بوده است (Cohen, 1996, 46).

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در منطقه، نه تنها باعث فعال شدن حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر گردید، بلکه حوزه‌های ژئوپلیتیکی دیگر را در پیرامون آن فعال نمود که برای نمونه می‌توان به حوزه‌های آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد. این تحولات بر کشورهای شمالی و جنوبی دریای خزر که در ضمن خود را صاحبان سنتی آن می‌دانند نیز تأثیر گذاشت و رفتار و نگرش آنان را نیز دگرگون کرد.

منطقه دریای خزر با چهار حوزه ژئوپلیتیکی مشخص ارتباط دارد که عبارت‌اند از:

۱- حوزه آسیای مرکزی در شرق

۲- حوزه قفقاز در غرب

۳- حوزه ایران در جنوب

۴- حوزه روسیه و اسلاو در شمال.

حوزه‌های چهارگانه مزبور بر حوزه دریای خزر تأثیر گذاشته و هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهند. از این رو مسایل دریای خزر را باید حاصل ترکیب و التقای مسائل و دیدگاه‌های خاص چهار حوزه فوق دانست که در دو حوزه غربی و شرقی نیز با نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای پیوند خورده و الگوی پیچیده از رقابت و همگرایی را شکل می‌دهد که این مداخله با واکنش بخش شمالی و جنوبی دریای خزر رو به رو گردیده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸، ۴۴).

هر حوزه ژئوپلیتیکی اساساً واجد نیروهای همگرا و واگرایی است که تحت شرایط خاص عمل

نموده و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و چیرگی هر یک از آنها بر دیگری، نوع رفتار اجزای حوزه ژئوپلیتیکی و الگوی رابطه بین اعضای آن را شکل می‌دهد. در حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر نیز همانند هر حوزه دیگری نیروهای ژرف و روبنا با کارکردهای همگرایی و واگرایی وجود دارند. شناخت این نیروها، کنترل و کاربری آنها می‌تواند مورد توجه دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد (روزنامه همشهری، ۱۳۷۷، ۱۵).

۲- موقعیت ژئوپلیتیکی جدید حوزه دریای خزر

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود و پایان گرفتن جنگ سرد، تحولات بسیار عظیمی در موقعیت ژئوپلیتیکی جهان به وجود آورد. یکی از مهم‌ترین مناطقی که تأثیر آن مشهود است، حوزه دریای خزر می‌باشد. این حوزه از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ذخایر غنی نفت و گاز و کشورهای تازه استقلال یافته در منطقه دارای اهمیتی خاص است. پنج کشور این حوزه، با بیش از ۲۴۵ میلیون نفر جمعیت و برخورداری از ذخایر عظیم انرژی فسیلی و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، کانون توجه بین‌المللی و محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده و این موقعیت ویژه، قابلیت‌های مناسبی را در سطح بین‌المللی در زمینه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک پدید آورده است. وجود دریاچه دریای خزر ارتباط آسیای مرکزی و قفقاز را با ایران و روسیه میسر می‌سازد و از این طریق کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای سیاه و مدیترانه و پاکستان و افغانستان می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و در نهایت با اروپا آسان‌تر رابطه برقرار نمایند و مجموعه این عوامل جغرافیایی، زمینه‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری فراهم کرده است. اما به رغم این قابلیت‌ها، واگرایی سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه، نامشخص بودن رژیم حقوقی دریاچه دریای خزر و اختلاف در آن و کشمکش بر سر میدان‌های نفتی و دخالت‌های قدرت‌های فرا منطقه‌ای سبب ایجاد بحران‌های شدید سیاسی و نظامی و زیست محیطی شده است که این تهدیدات چشم‌انداز ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر را به مخاطره انداخته است (یاسوری، ۱۳۸۳، ۱۷۴).

ادامه یافتن این روند فرصت‌های سرمایه‌گذاری متقابل و بین‌المللی را از بین می‌برد و رویارویی کشورهای منطقه با چالش‌هایی در مسائل داخلی و منطقه‌ای، بر شدت مسأله نیز می‌افزاید و عدم هوشیاری آنان به منافع بلندمدت منطقه آسیب جدی وارد می‌سازد و رقابت قدرت‌های جهانی را در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر افزایش می‌دهد. از این رو، لازم است به اهمیت ژئوپلیتیکی هریک از کشورهای حوزه دریای خزر پرداخته شود.

۱-۲ - اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

آذربایجان از نظر جغرافیایی یکی از کشورهای مهم در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌آید. چرا که این کشور نقطه برخورد و نزدیکی شرق و غرب، مهم‌ترین همسایه جنوبی روسیه و مهم‌ترین همسایه شمالی ایران است. در نتیجه شرایط جغرافیایی خاص این کشور و منابع عظیم انرژی در آن موجب شده تا کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره در صدد یافتن جایی برای خود و نفوذ در این کشور برآیند (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۱۰۶).

آذربایجان از غنی‌ترین کشورهای نفت‌خیز منطقه اوراسیاست که سابقه طولانی استخراج نفت و گاز را دارد و یک صد سال پیش این جمهوری نیمی از نفت مصرفی جهان را تولید می‌کرد (برکشلی، ۱۳۸۰، ۱۸۴).

آذربایجان دارای منابع طبیعی عظیمی همچون نفت، گاز، معادن غنی (آهن، آلومینیوم، مس، جیوه، طلا، سدیم، منیزیم، مصالح ساختمانی، سرامیک و چینی، سنگ‌های نیمه قیمتی، آب‌های معدنی) و همچنین بیش از ۸۳۵۰ رودخانه و ۴۰۰ دریاچه است که بر اهمیت هر چه بیشتر آن می‌افزاید. از سپتامبر سال ۱۹۹۴ تاکنون آذربایجان قراردادهای متعددی با کمپانی‌های نفتی سراسر جهان مبنی بر افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت امضا کرده است. طبق برآورد کارشناسان صنعت نفت، میزان تولید نفت در آذربایجان و کشورهای همسایه آن به اندازه میزان تولید نفت در کویت خواهد رسید (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۱۰۹).

همچنین نحوه انتقال نفت و گاز آذربایجان به بازارهای غرب نیز از مسائل مهم ژئوپلیتیکی به

شمار می‌آید که در این میان روسیه، شهر بندری «نوروسیسک» در دریای سیاه را پیشنهاد می‌کند. دولت جمهوری اسلامی ایران، کشور خود را به عنوان ارزان‌ترین راه انتقال انرژی معرفی می‌کند و کشورهای آمریکا، گرجستان، ترکیه و آذربایجان از خط لوله باکو - جیحان برای انتقال نفت و گاز به کشورهای دیگر حمایت می‌کنند.

از سوی دیگر دریاچه دریای خزر و عدم دستیابی آن به دریا‌های بزرگ موجب شده تا آذربایجان از توسعه و ارتباط با کشورهای دیگر تا حد زیادی دور بماند (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۱۰۷).

۲-۲- اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری ترکمنستان

ترکمنستان در آسیای مرکزی به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی، از موقعیت بسیار مطلوبی برخوردار است. داشتن مرزهای مشترک با ایران که حلقه اتصال به کشورهای آسیای مرکزی است، اهمیت تجاری و اقتصادی این کشور را افزایش می‌دهد، چرا که دیگر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و بخش غربی چین می‌توانند با جهان خارج از روسیه ارتباط برقرار کنند. اما ارتباط با ایران، دسترسی به خاورمیانه، ترکیه، خلیج فارس و پاکستان را بسیار آسان می‌کند و به همین دلیل ترکمنستان می‌تواند نقش مؤثری را در آسیای مرکزی ایفا کند. از سوی دیگر ترکمنستان دروازه ورود به آسیای مرکزی و تنها راه مناسب جهت دسترسی کشورهای دیگر به کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌آید. این کشور در مسیر جاده ابریشم که از زمان‌های دور به عنوان راه ارتباطی خاور دور با اروپا تلقی می‌شد، قرار گرفته است. ترکمنستان از یک سو با ایران و در ناحیه شرقی با کشور افغانستان هم مرز است که پیوسته در منازعات نظامی داخلی غوطه‌ور بوده و سرایت تنش‌های داخلی افغانستان به مرزهای شرقی ترکمنستان، همواره موجب نگرانی مقامات این کشور شده است. عدم ثبات در تاجیکستان، موضوع ترکمن‌های ساکن در سرحدات تاجیکستان و اختلاف با آذربایجان در مورد نحوه بهره‌برداری از منابع دریاچه دریای خزر به خصوص میدان‌های نفتی سردار (کاپاز) و قسمتی

از میدان های نفتی خزر (آذری) و عثمان (چراغ) از دیگر مسائل مهم ژئوپلیتیک ترکمنستان به شمار می آید (ندسا، ۱۴۱، ۱۳۸۱) جمهوری ترکمنستان از امکانات بالفعل و بالقوه اقتصادی بالایی برخوردار است و وجود منابع طبیعی غنی و سرشار در مقایسه با وسعت و جمعیت فعلی می تواند چشم انداز خوبی را برای این کشور رقم بزند. ذخایر شناخته شده گاز این کشور دو برابر دریای شمال و چهار برابر خلیج مکزیک است. این کشور سالانه ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز تولید می کند و در دنیا مقام چهارم را به خود اختصاص داده است. ۹۶ درصد از این گاز جهت صادرات مناسب است (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۳۴۹).

۳-۲ - اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری قزاقستان

کشور قزاقستان از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. این کشور تنها جمهوری آسیای مرکزی است که با دو کشور بزرگ روسیه (۶۸۴۶ کیلومتر) و چین (۱۵۳۳ کیلومتر) مرز مشترک دارد و در بخش غربی در دریاچه دریای خزر دارای ساحل می باشد. همسایگان دیگر قزاقستان در آسیای مرکزی شامل ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان می شوند. قزاقستان به دلیل وجود گروه های افراطی و تندرو، در منطقه ای مملو از چالش و تنش واقع است، با ویژگی های مهمی مانند: سازگاری و هماهنگی قومی و نژادی، برخورداری از منابع طبیعی ارزشمند و ثبات سیاسی، نقش اساسی را در سطوح منطقه ای و بین المللی ایفا می کند. این کشور همچنین به عنوان چهارمین سازنده و تولید کننده تسلیحات و تجهیزات هسته ای و دارا بودن بیش از ۱۰۰ گروه قومی و نژادی از اهمیت خاصی برخوردار است. البته لازم به ذکر است که قزاقستان با بستن سایت آزمایش های هسته ای خود در سال ۱۹۹۱، انتقال تمامی کلاهک های هسته ای در سال ۱۹۹۶ و انهدام کارخانه های سازنده تسلیحات اتمی، نخستین کشوری است که داوطلبانه به سوی خلع سلاح هسته ای گامی تاریخی برداشته است. این کشور همچنین به عضویت پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، پیمان جامع منع آزمایشات هسته ای و گروه های حفاظت آژانس بین المللی انرژی اتمی درآمده و به عنوان نخستین کشور، قوانین مربوط به نظارت بر صادرات سلاح های هسته ای را به

تصویب رساند (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۴۵۷).

قزاقستان از لحاظ مواد معدنی و منابع طبیعی بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (به جز روسیه) مقام اول را دارا می‌باشد. این کشور از لحاظ منابع زغال سنگ و نفت و گاز بسیار قوی می‌باشد. قزاقستان ۲۵ درصد ذخایر شناخته شده اورانیوم جهان را در اختیار دارد. منابع نفت و گاز در اقتصاد قزاقستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ۲۵).

بدین ترتیب می‌توان اهمیت ژئوپلیتیکی قزاقستان را از چهار جهت مورد بررسی قرار داد:

- ایجاد ثبات در منطقه: تنوع قومی و نژادی (بیش از ۱۰۰ گروه نژادی)، خلع سلاح اتمی، حرکت به سوی صلح و امنیت، ایجاد فضایی مناسب براساس اصول دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد؛
- الگویی تاریخی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: انهدام زرادخانه‌های اتمی، اجرای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پیمان منع جامع آزمایشات هسته‌ای، ایجاد منطقه‌ای آزاد از سلاح‌های هسته‌ای؛
- برخورداری از ذخایر غنی انرژی: نفت، گاز، ذغال‌سنگ، اورانیوم و دیگر منابع معدنی و طبیعی؛
- مشارکت و حضور در مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی از جمله: اتحادیه آسیای مرکزی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، برنامه مشارکت ناتو برای صلح و شورای مشارکت اروپا و آمریکا (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۴۵۸).

۴-۲- اهمیت ژئوپلیتیکی فدراسیون روسیه

روسیه پهناورترین کشور جهان است. از این رو سرزمینی بسیار متنوع با ویژگی‌های مختلفی می‌باشد. روسیه دشوارترین شرایط ژئوپلیتیکی را پس از فروپاشی شوروی در منطقه پشت سر می‌گذراند، زیرا این منطقه یکی از کانون‌های ناآرامی و تنش‌زای قوم‌های مختلف است (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ۴).

پس از پایان جنگ سرد، در منطقه آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر یک خلاء ژئوپلیتیکی ایجاد

شد. سیاست‌های درون‌گرایانه روسیه در مقطع اولیه فروپاشی شوروی، برای قدرت‌های خارج از منطقه این فرصت را پدید آورد که خلاء موجود را پر کنند. اینک روسیه به خود آمده و تلاش می‌کند با توجه به شکاف‌های قومی فدراسیون با کشورهای همسایه، تأثیر و تأثرگذاری متقابل آنان نسبت به یکدیگر و قرار داشتن این کشورها در کنار هارتلند و قلب فدراسیون، پیشتازی روسیه را برای حل مسائل امنیتی منطقه تفهیم کند. نشانه‌های رفتاری روسیه بیانگر آن است که اقدام برای اجرای هر طرحی اعم از امنیتی - مرزی، قومی - منطقه‌ای و ایدئولوژیک - باید با پیش‌تازی روسیه صورت پذیرد. بنابراین کشورهای کرانه‌ای هارتلند، از لحاظ امنیتی برای روسیه حیاتی هستند و این مسأله با حفظ فدراسیون روسیه در ارتباط است.

جهت‌گیری استراتژیک روسیه در حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز یک جهت‌گیری اقتصادی - امنیتی است. روسیه می‌کوشد ضمن گسترش منافع خود در منطقه، بر قدرت ژئوپلیتیکی خود بیفزاید و کشورهای این ناحیه را با خود همسو سازد تا به عنوان قطب دوم جهانی مطرح شود (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۴، ۸۹ - ۸۸).

این واقعیت جغرافیایی وجود دارد که هیچ کشوری در جهان به اندازه روسیه در سمت‌گیری سیاست خارجی خود وابسته به ژئوپلیتیک نبوده است، چه در دوران شوروی (سابق) و چه بعد از جنگ سرد و نیز در قرن بیست و یکم که زمامداران روسیه خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند.

موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه سبب می‌شود که سمت‌گیری‌های چندگانه‌ای در سیاست خارجی خود داشته باشد و به این نتیجه برسد که از تمامی قومیت‌های جامعه جهانی به عنوان یک ضرورت استفاده کند (عزتی، ۱۳۸۲، ۱۱۶ - ۱۱۵).

۵ - ۲ - اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

به لحاظ ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران، حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران قدیمی‌ترین تمدن و دولت حاشیه این منطقه را شکل داده و سابقه حضور تاریخی بیشتری نسبت به بقیه دارد و پس از روسیه پرجمعیت‌ترین کشور و از

نظر انرژی و بازار مصرف بزرگ‌ترین کشور در کل منطقه است. جغرافیای ایران از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت می‌باشد که از جمله آنها می‌توان موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن را نام برد. از لحاظ ژئوپلیتیک، ایران در مرکز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قرار گرفته است. از لحاظ ژئواستراتژیک، خطوط مواصلاتی زمینی، هوایی و تا حدودی دریایی بین شرق و غرب و شمال و جنوب از ایران می‌گذرد و از لحاظ ژئواکونومیک، دارای موقعیت منحصر به فرد اقتصادی در منطقه می‌باشد. در حقیقت ارتباط قوی اقتصادی ایران با کشورهای قوی و مهم منطقه، امنیت بیشتر ایران و کشورهای منطقه را به دنبال خواهد داشت (چشمه‌اعلایی، ۱۳۸۴، ۱۴۷).

از این رو ایران تا به امروز نقش تاریخی خود را در این منطقه فراموش نکرده و به تحولات حوزه دریای خزر علاقه ویژه‌ای دارد. ایران حضور و رقابت خود در این منطقه را نوعی تأمین «منافع حیاتی ملی» که مستقیماً بر امنیت این کشور تأثیر دارد، در نظر می‌گیرد. آغاز قرن بیست و یکم موقعیت مهم دیگری برای کشورهای محصور بین روسیه و خلیج فارس به وجود آورد. اگر روزی سپر شمالی، ایران را از تهدید شوروی محافظت می‌کرد، امروز خط تازه تأسیس، خط مرزی ژئوپلیتیک و بین‌المللی خواهد بود که از ملت‌های آسیای مرکزی در مقابل ارباب قبلی خود، روسیه محافظت می‌کند (مشفق‌فر، ۱۳۸۳، ۴۴).

روند کنونی تحولات نظام بین‌المللی بیانگر این است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی بویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد از این رو ایران نقش بسیار مهم و محوری در ژئوپلیتیک حوزه دریای خزر و خلیج فارس دارد. دریاچه دریای خزر بیش از ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت و ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در خود جای داده و شرکت‌های نفتی تاکنون بیش از چهار میلیارد دلار برای استخراج این منابع انرژی هزینه کرده‌اند. ایران با دارا بودن بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخایر نفتی جزو چهار کشور اول جهان است و با ۸۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی اثبات شده، پس از روسیه مقام دوم را در اختیار دارد. در منطقه خاورمیانه، سهم ایران از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ۵۸ درصد است. ایران با یک درصد جمعیت جهان، ۱۵ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار

دارد. امنیت همه جانبه جهان در سده بیست و یکم به این محور استراتژیک بستگی دارد که ایران در متن آن قرار گرفته است (رحیم پور، ۱۳۸۱، ۵۷).

۳ - نگرش‌های متفاوت و ژئوپلیتیک مشترک در حوزه دریای خزر

عنصر تفاوت بنیادین متکی بر نیروهای ژرف در حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر به صورت یک تفاوت ساختاری تجلی پیدا می‌کند. دریای خزر اگر چه واجد نیروهای همگرا کننده می‌باشد ولی تحت شرایط جدید ژئوپلیتیکی بویژه پس از جنگ سرد به نظر می‌رسد نیروهای تجزیه‌گرا بر نیروهای متحدکننده و همگرا چیره می‌شوند و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای را در پیش روی این حوزه قرار می‌دهند. تفاوت ساختاری حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر در عرصه‌های مختلف فضایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارند که در تعامل با یکدیگر ساخت‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های متفاوتی را شکل می‌دهد. ساخت‌های جغرافیایی این حوزه عبارتند از:

۱- ۳ - آذربایجان

این ساخت فاقد ریشه‌های تاریخی و تجربه دولت مستقل است و دولت ملی در آن در مرحله نوجوانی قرار دارد. الگوی ملت بر اساس قومیت آذری با اکثریت قاطع ۹۰ درصد زبان ترکی، مذهب شیعه و احساسات شدید ملی‌گرایی شکل گرفته است. این واحد از موقعیت بری برخوردار بوده و برای تماس با دنیای خارج به ایران و روسیه و سایر همسایگان خود وابسته است. آذربایجان از حیث ژئوپلیتیکی خود را در انزوا می‌یابد. به طوری که از سوی شمال (روسیه) و غرب (ارمنستان) احساس تهدید می‌کند و از سوی شرق (دریا) و جنوب (ایران) احساس کمک و مساعدت نمی‌نماید. بنابراین برای بقای خود تکیه‌گاهش را در خارج از منطقه جستجو نموده و در صدد پیوندهای نظامی و اقتصادی و فن‌آوری به خارج از منطقه برآمده است (حسین پور پویان و محمد هیودی، ۱۳۸۴، ۳۱) و به آذربایجان به صورت دروازه ورود نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای (ناتو، آمریکا، اسرائیل و ترکیه) به دریای خزر نگریسته می‌شود. این کشور از وضعیت و ساختار جغرافیایی نامساعدی برخوردار است و دفاع از آن مستلزم نیروهای نظامی

دو چندان می‌باشد.

وجود واحد مورد مناقشه قره‌باغ و نیز واحد برونگان نخجوان و شکل شش ضلعی و توپوگرافی خاص، وضعیت سختی را بر آن تحمیل نموده است. آذربایجان به دلیل سوابق تاریخی نسبت به روسیه تا اندازه‌ای به ایران بدگمان است و کاستی‌های خود را در این رابطه برای تدارک قدرت و حفظ بقاء، در قدرت‌های فرامنطقه‌ای جستجو می‌کند. ضمن اینکه مزیت‌های ژئواکونومیک نظیر انرژی فسیلی، ظرفیت کشاورزی، گردشگری و غیر آن فرصت‌های خوبی در اختیارش قرار می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۴۴).

از دید ژئوپلیتیک، ایران و جمهوری آذربایجان چاره‌ای جزء همکاری ندارند. قرابت‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و منابع مشترک و محدوده فعالیت‌های مشترک اقتصادی، و بخصوص امنیت سرزمینی دو کشور ایجاب می‌کند که تهران و باکو با یکدیگر نزدیک باشند (Mojtahed-zadeh, 2000, 175).

۲-۳ - ترکمنستان

این ساخت نظیر آذربایجان فاقد ریشه تاریخی و تجربه دولت مستقل است. الگوی ملت براساس قومیت ترکمن (۷۳٪)، زبان ترکمنی، مذهب اهل سنت و احساسات ملی‌گرایانه شکل گرفته است. این کشور از موقعیت بری برخوردار است و ضمن ایفای نقش ترانزیت برای همسایگان خود، شدیداً برای ارتباط با دنیای خارج به همسایگان بویژه ایران وابسته است. احساس تهدید قابل توجهی از همسایگان خود نمی‌کند و نسبت به ایران به عنوان همسایه قدرتمند خود جانب احتیاط را رعایت می‌نماید. وضعیت ژئوپلیتیکی آن ایجاب می‌نماید که موضع بی طرفانه‌ای در روابط بین‌المللی به عهده بگیرد و بر همین اساس تأیید بی طرفی از مجمع عمومی سازمان ملل متحد را نیز دریافت کرده است. ترکمنستان از لحاظ نیازهای اقتصادی و فن آوری در معرض نفوذپذیری از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار گرفته و هر چند این کشور در یک حالت تردید نسبت به وضعیت چندگانه نیاز اقتصادی به غرب، موضع بی طرفی در روابط بین‌المللی و رعایت جانب احتیاط نسبت به ایران به دلیل

ملاحظات ژئوپلیتیکی، گرفتار شده است (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۴۷).

۳ - ۳ - قزاقستان

این کشور نیز نظیر دو کشور آذربایجان و ترکمنستان فاقد تجربه دولت مستقل است. الگوی ملت آن ترکیبی است از ۴۲٪ قزاق، ۳۷٪ روس در قومیت و ۴۷٪ مسلمان و ۴۴٪ ارتدوکس روسی که براساس اکثریت قزاق و مسلمان هویت خود را پیدا می‌کند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷، ۱۶).

قزاقستان قدرت هسته‌ای است و نیز ظرفیت‌های فضایی دارد. این الگوی ترکیبی، برگزینش مواضع متوازن در روابط با کشورهای منطقه دریای خزر تأثیر داشته است. قزاقستان از نظر فن‌آوری موقعیت برجسته‌ای دارد ولی در عین حال از نظر اقتصادی و فن‌آوری در ارتباط با بهره‌برداری از ذخایر انرژی فسیلی خود به غرب نیازمند است. موقعیت ژئوپلیتیکی قزاقستان آن را به صورت یک قدرت منطقه‌ای در آسیای مرکزی در آورده است. موقعیت بری این کشور آن را به همسایگانش بویژه روسیه، ایران و ترکمنستان وابسته می‌نماید (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۴۸).

۴ - ۳ - ایران

این ساخت با ریشه تاریخی چند هزار ساله همراه با تجربه دیرینه دولت از الگوی ملتی برخوردار است که فرهنگ ایرانی، زبان فارسی، مذهب شیعه و درجه بالای چسبندگی از ویژگی‌های عمده آن بوده و آن را از سایر ساخت‌های حوزه متمایز می‌سازد. ایران صاحب تمدنی فراگیر و ریشه‌دار و غنی است که قبل از سایرین در حوزه، واجد آن بوده است. این واحد همچنان دریای خزر را دریاچه سنتی و آرمانی مورد تملک خود دانسته که نام‌گذاری‌های ویژه و تاریخی نظیر دریاچه دریای خزر، آبسکون، قزوین، ارقانیا، بحر باب، طبرستان از آن حکایت می‌کند. ایران قدرت منطقه‌ای جنوب غرب آسیاست که امکان دسترسی به سه حوزه دریای خزر، خلیج فارس و اقیانوس هند را داشته و می‌تواند نقش ترانزیتی برای سایر اعضای دریای خزر بازی کند. از نظر ایران دریای خزر یک واحد منطقه‌ای است که مقدرات آن باید

به دست اعضای منطقه و به دور از نیروهای مداخله‌گر فرمانطقه‌ای انجام پذیرد. همچنین ایران از حضور نیروهای مداخله‌گر که عمدتاً دشمنان و رقبای آن هستند برای امنیت ملی خود احساس خطر می‌کند و علی‌رغم برخورداری از مواضع و دیدگاه‌های مشترک با روسیه به عنوان یک قدرت جهانی، اساساً نسبت به اهداف و دیدگاه‌های این کشور نیز تردید دارد و آن را رقیب قدرتمند خود در حوزه دریای خزر می‌داند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸، ۴۶).

۵ - ۳ - روسیه

این کشور دارای سابقه تاریخی و تجربه دولت مستقل، ولی نه به اندازه ایران است. وضعیت جغرافیایی این کشور، آن را در مسیر میل به جنوب قرار داد، و این راه را تا آنجا ادامه داده که مانع سیاسی در مقابل آن نبوده است. اولین مانع برای آن، دولت ایران در جنوب و سپس رقابت‌های استعماری انگلیس و آمریکا در قرون ۱۹ و ۲۰ بوده است. در غیر این صورت روسیه قلمرو حضور و سلطه خود را تا ساحل عمان و خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش می‌داد زیرا دستیابی به آب‌های گرم جنوب از اهداف و آرمان‌های تاریخی روس‌ها است. این هدف، سیاست روس‌ها در قفقاز و آسیای مرکزی را در گذشته، شکل داده و امروز نیز علاوه بر این، ملاحظات راهبردی، مربوط به امنیت ملی و حفظ حاشیه امنیتی به دور روسیه نیز بر آن افزوده شده است. تردیدی وجود ندارد که روسیه همچنان از وضعیت بد جغرافیایی خود رنج می‌برد و خروج از این وضعیت به صورت یک آرمان پایدار و راهبردی برای آن در آمده است. الگوی ملت در روسیه براساس اکثریت قومی روس و از نژاد اسلاو (۸۲٪)، زبان روسی و اکثریت دینی مسیحیت ارتدوکس و فرهنگ خاص آن شکل گرفته است. روسیه خود را همچنان یک ابرقدرت در صحنه بین‌المللی دانسته و به فن‌آوری پیشرفته بویژه در بُعد فضایی و اتمی و تسلیحات راهبردی دسترسی داشته و یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل را تشکیل می‌دهد. این موقعیت، دیدگاه خاص برتری طلبی و میل به تحرک آزادانه در عرصه دریای خزر را برای روسیه پدید می‌آورد. این کشور از حضور نیروهای فرمانطقه‌ای بویژه رقبای جهانی نظیر آمریکا و ناتو در حوزه دریای خزر ناراضی است و با

ایران در این رابطه موضعی مشترک دارد (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۴۸).

همانطور که ملاحظه می‌شود در حوزه دریای خزر پنج ساخت جغرافیایی با هویت، ویژگی‌ها، اهداف و دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که به صورت یک تفاوت بنیادین در منطقه تجلی پیدا می‌کند.

به طور کلی می‌توان ویژگی‌های عمومی کشورهای حوزه دریای خزر را از جهت تفاوت‌های ساختاری بدین ترتیب خلاصه نمود:

۱- تفاوت در طول عمر دولت، که ایران از این نظر قدیمی‌ترین و سپس روسیه قرار داشته و سه واحد ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در دوره نوجوانی به سر می‌برند.

۲- سه کشور جوان حوزه دریای خزر در روند تاریخی خود نسبت به قدرتهای ساحلی سه دوره در قرون اخیر را پشت سر گذاشته‌اند. دوره نفوذ و سلطه ایران، دوره نفوذ و سلطه روسیه و دوره استقلال. بنابراین از نظر تاریخی و جغرافیایی آنها به دو قدرت مزبور وابستگی داشته و متأثر از عناصر فرهنگی دو قدرت نامبرده می‌باشند.

۳- سه کشور فوق دچار مشکل هویت و ساماندهی بنیاد ملت و علت بقا برای خود می‌باشند و بر عناصر فرهنگی بومی و خودی و واگرایی از دو قدرت روسیه و ایران تأکید دارند. ضمن اینکه در کشیدن مرزهای دقیق بویژه نسبت به فرهنگ ایرانی دچار تردید و مشکل هستند.

۴- سه کشور مزبور در فرآیند کشش از سوی قدرت‌های شمال و جنوب خود قرار گرفته و هر دو از طریق ساماندهی روابط دو جانبه و یا ساخت‌های منطقه‌ای سعی بر جذب این مجموعه به خود را دارند.

۵- سه کشور مزبور از نظر فضایی و جغرافیایی به قدرت‌های شمال و جنوب خود وابسته هستند و این وابستگی واقعیت طبیعی دارد.

۶- حوزه دریای خزر از ساختار قدرت نامتوازن برخوردار است. در واقع این حوزه دارای ساختار سه سطحی است. در سطح اول روسیه، به عنوان یک قدرت جهانی قرار دارد.

در سطح دوم قدرت‌های منطقه‌ای ایران و قزاقستان قرار دارند، ایران در منطقه جنوب غرب آسیا و قزاقستان در منطقه آسیای مرکزی. در سطح سوم قدرت‌های محلی و کوچک قرار

دارند که عبارتند از: آذربایجان و ترکمنستان که از مداخله درون منطقه‌ای نگران بوده و تکیه‌گاه خود را در خارج از منطقه جستجو می‌کنند. همانطور که ملاحظه می‌شود، ساخت‌های جغرافیایی حوزه دریای خزر از یکدیگر متمایز بوده و در متغیرهای ژئوپلیتیکی ژرف نظیر درک موقعیت جغرافیایی، نظام بین‌المللی، نظام منطقه‌ای، اهداف ملی، احساس یا عدم احساس تهدید از همسایگان، الگوی ملت، هویت، ریشه نهاد دولت، درجه استقلال و آزادی عمل و نظایر اینها با یکدیگر همسانی زیادی ندارند. این نیروها و متغیرها توان به چالش کشیدن الگوی همگرایی و همکاری درون منطقه‌ای را دارا می‌باشند، لذا دیدگاه‌ها و سیاست‌هایی که به دنبال استقرار الگوی همگرا در منطقه هستند باید بتوانند ساز و کارهایی را بیابند که بر آن نیروها و نقش واگرایانه آنها چیره شوند و به عبارتی نقش و کارکرد منفی آنها را تبدیل به نقش مثبت بنمایند. جدول زیر جمعیت و طول ساحل کشورهای حوزه دریای خزر را نشان می‌دهد.

جمعیت و طول ساحل کشورهای حوزه دریای خزر

نام کشورها	جمعیت (میلیون نفر)	وسعت (کیلومتر مربع)	تراکم نسبی (کیلومتر مربع)	طول ساحل (کیلومتر مربع)	جمعیت ساحل‌نشین (میلیون نفر)
جمهوری آذربایجان	۸/۲۶	۸۶۶۰۰	۹۲/۲	۸۲۵	۳
جمهوری اسلامی ایران	۶۹	۱۶۴۸۰۰۰	۳۸/۸	۱۰۰۰	۶
جمهوری قزاقستان	۱۵/۱	۲۷۱۷۳۰۰	۵/۶	۲۳۲۰	۳
جمهوری فدراتیو روسیه	۱۴۳/۸	۱۷۰۷۵۴۰۰	۸/۷	۱۴۶۰	
ترکمنستان	۶/۵۵	۴۹۱۲۰۰	۱۳/۳	۱۲۰۰	
جمع	۲۴۲/۷۱	۲۲۰۱۸۵۰۰	۱۵۸/۶	۶۸۰۵	۱۲

(Cep, 2005, 5)

لازم به ذکر است در جدول فوق، طول ساحل کشورها برحسب خط مستقیم نمی‌باشد؛ لذا، طول ساحل کشورهای مذکور، براساس خط مستقیم، کمتر از ارقام مندرج در جدول می‌باشد. مشاهده

می‌شود که، ۲۴۲/۷۱ میلیون نفر جمعیت به صورت غیرمستقیم و ۱۲ میلیون نفر جمعیت به صورت مستقیم، با مسائل ژئوپلیتیکی حوزه دریای خزر در ارتباطند. در این میان، ایران و آذربایجان، در صورتی که از کم‌ترین طول ساحل برخوردارند؛ ولی دارای بیش‌ترین جمعیت ساحل‌نشین در حوزه دریای خزر هستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که پس از فروپاشی شوروی (سابق) حوزه دریای خزر اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی پیدا کرده و کشورهای حوزه (روسیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) نگرش‌های متفاوتی نسبت به این حوزه دارند. ایران و روسیه دو کشور قدرتمند (ایران قدرت منطقه‌ای و روسیه قدرت جهانی و نامتقارن) در این حوزه، دارای استراتژی مستقل می‌باشند. اما سه جمهوری تازه استقلال یافته شوروی سابق (جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) دارای استراتژی متزلزل می‌باشند و سعی می‌کنند روابط خود را با کشورهای فرامنطقه‌ای برقرار کنند و علی‌رغم قرابت‌های جغرافیایی، فرهنگی و دینی با کشورهای منطقه تفاهم و توافق ندارند. به همین دلیل، استفاده و بهره‌برداری بهینه از این حوزه برای همه کشورهای حوزه دریای خزر با مشکل مواجه شده است.

منابع

- ۱- احمدی لفورکی، ب. و فیروزه م. ر. (۱۳۸۴)، «راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، انتشارات ابرار معاصر تهران.
- ۲- برکشلی، ف. (۱۳۸۰)، «جمهوری‌های حاشیه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳- چشمه اعلائی، م. (۱۳۸۴)، «جمهوری اسلامی ایران و تحولات حوزه قفقاز و آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۴- حسین پور پ. و م. ر. محمد هیودی (۱۳۸۴)، «تحلیل منابع ژئوپلیتیک مشاجره بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی گستره، سال اول، شماره دوم، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۷۸)، «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶- حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، انتشارات سمت.
- ۷- رحیم‌پور، ع. (۱۳۸۱)، «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۴، مؤسسه اطلاعات.
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۶۸۵، یکشنبه ۱۳۷۷/۱۰/۲۷.
- ۹- روزنامه همشهری، شماره ۱۷۶۶، ۱۳۷۷/۱۱/۲۵.
- ۱۰- زرقانی، س. ه. (۱۳۸۴)، «اهمیت و جایگاه منطقه ژئوپلیتیک خزر در نظام نوین جهانی»، مؤسسه مطالعات دریای خزر.
- ۱۱- عزتی، ع. (۱۳۸۲)، «ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم»، انتشارات سمت.
- ۱۲- مجتهدزاده، پ. (۱۳۸۱)، «در خزر چه می‌گذرد و چه باید کرد؟»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۶، مؤسسه اطلاعات.

- ۱۳- مشفق‌فر، ا. (۱۳۸۳)، «تحولات نظامی قفقاز جنوبی و نقش قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۶، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۴- ندسا (۱۳۸۱)، «*خزر و منافع جمهوری اسلامی ایران*»، نشر سایه روشن.
- ۱۵- وزارت امور خارجه (۱۳۷۹)، «*مباحث کشورها و سازمانهای بین‌المللی - جمهوری قزاقستان*، (۷۷)»، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۶- یاسوری، م. (۱۳۸۳)، «فرصت‌ها و محدودیتهای سرمایه‌گذاری متقابل در کشورهای حوزه دریای خزر»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۰۹، مؤسسه اطلاعات.
- 17- CEP, (2005), “*Caspian Environment Program*”, UN.
- 18-Cohen, Saul . B, (1996), “*Geopolitics in the New World Era, reordering the world*” , edited by G. J. Demko and W. B. Wood, West view Press, U.S.A
- 19-Mojtahed-zadeh, Pirouz ,(2000), “*The Geopolitics of the Caspian Region*”, in Hooshang Amirahmadi, ed. *The Caspian region a crossroad*, st.